

تئیت قدرت ایران به روایت آمر

قدرت نرم ایران در ۲ دهه گذشته و در بازه‌های زمانی مختلف روند سینوسی‌وار داشته است. به عنوان نمونه، قدرت نرم ایران به دلیل حمایت از حزب... لبنان در جنگ تابستان ۲۰۰۶ میلادی در عرصه منطقه‌ای و میان ملت‌های عرب بالا بود. در این میان حضور نیروهای مستشاری ایران و برخی گروه‌های مقاومت در سوریه از همان ابتدای جنگ داخلی دراین کشور که البته به دعوت دولت قانونی دمشق انجام شد)، با حساسیت شدید رژیم صهیونیستی، ترکیه و بیشتر کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی همراه بود. این بازیگران که از مخالفت سوری حمایت می‌کردند، با انتشار اخبار و مستندهای جعلی و دروغین به پروژه ایران‌هراسی دامن زدند. بازنامایی‌ها و بازتاب اخبار داعی مرتبط با نقش ایران و حزب... در سوریه در رسانه‌های عبری و عربی به‌گونه‌ای بود که بسیاری از مردم جهان دچار این توهم می‌شدند، مسئولیت تمام خرابی‌ها و مصیبت‌های ایجاد شده در سوریه و جنگ‌های منطقه با محور مقاومت است. دولت‌های عربی در سال‌های گذشته مدعی بودند، ایران تهدیدی برای امنیت‌شان است. در این میان طبق یک نظرسنجی، ۱۶ درصد جامعه آماري کویت سه درصد جامعه آماری عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی را تهدیداصلی تلقی می‌کردند. عملیات «طوفان الاقصی»، حمله رژیم صهیونیستی به غزه و حوادث بعد از آن ازجمله حمله مشترک آمریکا و انگلیس در قالب ائتلاف دریایی به انصار... یمن موجب افزایش محبوبیت جمهوری اسلامی ایران و سایر اعضای محور مقاومت به ویژه انصار... یمن شده است. حمایت مستمر ایران از مردم فلسطین، و مسئولیت‌دانشن جنگ... در حملات موشکی هدمقند به بخش‌های مختلف شمال اراضی اشغالی، حملات انصار... یمن به کشتی‌های تجاری رژیم صهیونیستی یا کشتی‌هایی که به سمت اراضی اشغالی حرکت کرده‌اند و می‌کنند و نیز حملات گروه‌های مقاومت عراقی و سوری، جلوه‌هایی از تحرکات محور مقاومت را در دفاع از ملت فلسطین و وادار کردن رژیم صهیونیستی ودولت آمریکا به توقف جنایت‌هایشان در نوارغزه به‌نمایش می‌گذارد. نتیجه نظرسنجی مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی قطر به‌وضوح گویای تفاوت دیدگاه افکار عمومی عربی نسبت به گذشته است. در این نظرسنجی از ۸ هزار نفر در ۱۶ کشور عربی که اواسط ژانویه به وسیله مرکز تحقیقات مستقر در دو حه منتشر شد، ۳۶ درصد پاسخ دهندگان تعلیق عادی سازی روابط با تل آویو را به عنوان مهم‌ترین اقدام خود برای زیر فشار قرار دادن صهیونیست‌ها با هدف پایان دادن به جنگ غزه اعلام کردند. در عین حال ۸۹ درصد با به‌رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی مخالف بودند و ۷۷ درصد آمریکا یا رژیم صهیونیستی را بزرگ‌ترین تهدید امنیتی منطقه می‌دانستند. در واقع، جنگ غزه و حمایت همه جانبه ایران و محور مقاومت از فلسطینیان، اعداد را به‌طور قابل ملاحظه‌ای علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی تغییر داده است. نتیجه نظرسنجی شرکت Morning Consult متخصص در جمع‌آوری داده‌ها نشان می‌دهد، درصد افرادی که به تل آویو دیدگاه مثبتی داشته‌اند، پس از تجاز و به نوار غزه به میزان ۱۸ درصد کاهش یافته است. این نظرسنجی که در ۴۲ کشور انجام شد، شاهد کاهش محسوس حمایت از رژیم صهیونیستی در ۴۲ کشور از ۶ قاره جهان بود، در حالی که تنها کشور طرفدار رژیم صهیونیستی همچنان آمریکا است. البته جانبداری آمریکا باعث شده است در کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی و مصر دیدگاه منفی نسبت به واشنگتن ایجاد شود. نظرسنجی شبکه «عرب بارومتر» (Arab Barometer) در تونس پیش و پس از عملیات «طوفان الاقصی» نیز نشانگر تغییر شدید دیدگاه این جامعه عربی نسبت به حامیان و دشمنان رژیم صهیونیستی است. این نظرسنجی که از اواسط سپتامبر تا اواخر اکتبر ۲۰۲۳ میلادی با جامعه آماري بیش از یک هزار نفر انجام شد، نشان می‌دهد جایگاه آمریکا از ۱۰ درصد، به ۱۰ درصد، حمایت از عادی سازی روابط تونس با تل آویو از ۱۲ درصد به یک درصد کاهش و نیز موافقت جامعه تونس با سیاست خارجی ایران از ۲۹ درصد ۴۱به درصد افزایش یافته است. به‌طور کلی، نتیجه نظرسنجی‌های اخیر در کشورهای مختلف نشان می‌دهد، جنگ غزه باعث کاهش محبوبیت آمریکا و تهدید قلمداد نمودن رژیم صهیونیستی به عنوان عامل اصلی ناامنی و بی‌ثباتی منطقه و در مقابل، افزایش محبوبیت ایران و محور مقاومت در جهان عرب شده است. در همین راستا بسیاری از تحلیلگران معتقدند، کارزار نظامی و قدرت نرم محور مقاومت به چالش‌های اساسی برای واشنگتن و تل آویو تبدیل شده است، اگر جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه به زودی پایان نیابد و راه روشنی برای حل عادلانه موضوع فلسطین ترسیم نشود، واشنگتن با منطقه مواجه خواهد شد که خشم از رژیم صهیونیستی سرتاسر آن را فرا گرفته است. گسترش درگیری فراتر از غزه در لبنان یا یمن نیز به این خشم دامن می‌زند، افکار عمومی را بیشتر ملتهب می‌کند و بر نفوذ محور مقاومت در منطقه می‌افزاید.

شنبه
۱۴۰۲۰۱۱۰۱۴
شماره پنجم
۱۷۶۱

۲۲ رجب ۱۴۴۵/ ۰۳ فوریه ۲۰۲۴

عبدالرضا فرجی‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هیمنه آمریکایی‌ها در حمایت از اسرائیل فروریخت

آمریکا و غرب پس از آتش بس کشور مستقل فلسطینی را

به رسمیت خواهند شناخت

دموکرات‌ها می‌خواهند از طرح کشور مستقل فلسطین

در انتخابات استفاده کنند



آرمان ملی - حمید شجاعی: جهان با اتفاقات مختلفی روبه‌رو است، اما **خاورمیانه منطقه‌ای است که همواره طی مقاطع مختلف آبیستن تحولات مختلفی بوده و جنگ همیشه یکی از مفروض‌هایی بوده که در این منطقه در نظر گرفته شده و در اغلب مقاطع نیز اتفاقات مختلفی باعث جنگ در این منطقه شده است، اما به جرات می‌توان گفت طی چند وقت اخیر جنگ غزه و متعاقب آن تحولات دریای سرخ و روباوری نظامی آمریکا و انگلیس با یمنی‌ها بخش مهمی از تحولات بین‌المللی و واکنش‌های آن را به خود اختصاص داده است، چنانکه نه صهیونیست‌ها انطور که فکر می‌کردند توانستند طی مدت کوتاهی غزه را بگیرند و حماس را حذف کنند؛ نه آمریکایی‌ها انطورکه فکر می‌کردند با یک حمله به یمنی‌ها توانستند آرامش و امنیت را به دریای سرخ بازگردانند. لذا حال‌ا که به قدرت چپه مقاومت، حماس و یمنی‌ها واقف شده و به آن معترف هستند بر طرح آتش**

تحولات اخیر منطقه به ویژه اتفاقات در دریای سرخ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مساله دریای سرخ و تنگه باب‌المندب به صورت یک کش و قوسی به همین شکلی که اکنون ادامه پیدا می‌کند در روزهایی آینده یا چند هفته بعد نیز ادامه پیدا خواهد کرد. آمریکا و بریتانیا ابتدا خیزی برداشتند که ماسکوب می‌کنیم و یمنی‌ها را سر جای خودشان می‌نشانیم. بر همین اساس نیز حملات چند و چپی را هم در داخل یمن انجام دادند، اما دیدند که نتیجه نگرفتند و همچنین یمنی‌ها به کشتی‌هایی که به سمت اسرائیل حرکت می‌کنند حمله می‌کنند. پنج شنبه نیز به یک کشتی انگلیسی که به سمت بندر اسرائیل می‌رفت حمله شد و در مقابل انگلیس هم پاسخ داد. لذا به همین خاطر که غربی‌ها نتوانستند از این موضوع پاسخ بگیرند دست به دامن چینی‌ها شدند تا آنها به نحوی از طریق ایران واسطه شوند که کنترلی بر یمنی‌ها نداشته باشند و عملیات متوقف شوند. از طرفی ۷ کشور از اعضای اتحادیه اروپا که البته بقیه حاضر به همکاری نشدند قرار شده کشتی‌های جنگی به منطقه بفرستند نه به خاطر اینکه به یمن حمله کنند، بلکه به جهت حفاظت کشتی‌های خود که از آن منطقه عبور می‌کنند. لذا منظور این نیست که در منطقه شاهد درگیری جدیدی باشیم. بنابراین تصور من این است که آمریکا و انگلیس تمرکز خود را روی آتش بس گذاشتند و امیدوارند که این آتش بس که در خصوص آن امید‌هایی ایجاد شده و حماس باید پاسخ‌نهایی را بدهد و مصر، آمریکا، اسرائیل، قطر و حماس مشغولند تا نتیجه‌نهایی برسند. بر این اساس امیدوارند که این آتش بس انجام شود و مقداری هم به‌کار خود سرعت دادند که وقتی این آتش بس اعلام می‌شود شرایط در منطقه به ویژه‌های بین‌المللی مثل دریای سرخ به حالت عادی بازگردد. چون یمنی‌ها بارها اعلام کردند که ما این حملات را علیه اسرائیل و کشتی‌هایی که به سمت اسرائیل می‌روند انجام می‌دهیم به خاطر اینکه مردم غزه در حال کشته شدن هستند یا مواد غذایی و دارویی به آنجانی‌رسد. لذا من فکر می‌کنم که جنگ بزرگی در آنجرا نخواهد داد، چراکه کشتی‌های بین‌المللی بیشتری به خطر می‌افتد. نه حملاتی به داخل یمن انجام می‌شود. یمنی‌ها یکسری حملاتی به کشتی‌هایی که به سمت اسرائیل می‌روند انجام می‌دهند و اینها نیز پاسخ محدودی می‌دهند تا اینکه آتش بس که من فکر می‌کنم در کمتر از یک هفته تا یک هفته نتیجه‌اش مشخص شود به سرانجام برسد.

بسیاری معتقدند که اتفاقات دریای سرخ باعث شد تا هیمنه غربی‌ها به رهبری آمریکا شکسته شود و اساسا اگر آتش بس و توافقی شکل گیرد به مثابه دست بالا و پیروزی یمنی‌ها خواهد بود تا غربی‌ها، این موضوع را چطور تحلیل می‌کنید؟

بالاخره اتفاقاتی که در مساله غزه افتاد و حمایتی که یمنی‌ها از فلسطینی‌ها کردند نشان داد که از یک قدرتی برخوردار هستند و عربستان نیز کار عقلا نه‌ای انجام داد که با یمنی‌ها به سمت آتش بس و صلح حرکت کرد چرا که حریف آنها نمی‌شد. این خود امتیازی برای یمنی‌هاست و تصور می‌شود که پس از آتش بس با اینکه غربی‌ها یمنی‌ها را جزء گروه‌های تروریستی اعلام کردند اما برای اینکه آرامشی در تنگه باب‌المندب ایجاد شود غرب به سمتی می‌رود که حکومت فعلی در صنعا را به رسمیت بشناسد. اما اینکه هیمنه آمریکا به عنوان پلیس اقیانوس‌ها دریاها به هم خورده تا حدی مشخص است که آمریکا تا حدی نتوانست در منطقه اقدامی کند. البته دلایلی مختلفی هم داشت، چراکه یک تنگه مهم است و جنگ در آنجا می‌تواند اقتصاد بین‌الملل را دچار بحران بزرگی کند. اما هیمنه آمریکایی‌ها پیش از همه در حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل فروریخت و اعتبار خود را دست دادند. البته به خاطر این اعتباری که از دست دادند در حال انجام اقداماتی هستند. مثل روزی پنج شنبه بریتانیا اعلام کرد که احتمالا کشور مستقل فلسطینی را بعد از آتش بس به رسمیت می‌شناسد و بلافاصله آمریکا نیز همین نظر را اعلام کرد. من تصور می‌کنم که به دنبال بریتانیا و آمریکا کشورهای اتحادیه اروپا نیز همین نظر را اعلام کنند. حال اینکه چرا اینها در این مسیر حرکت می‌کنند نخست به خاطر در پیش بودن انتخابات آمریکا و دیگری اینکه در انتخابات پیش‌رو دوباره دونالد ترامپ کاندیدای انتخابات شده و خواهد آمد و متحدان آمریکا از این آمدن و رفتن ترامپ به کاخ سفید وحشت زده شده‌اند. لذا می‌خواهند آن اتفاق بدی که در غزه افتاد و غرب از اسرائیل حمایت



متمرکز شده‌اند و از آنجا که این دو موضع پی در پی هستند و اگر جنگ غزه خاتمه یابد مساله یمنی‌ها و دریای سرخ نیز حل و فصل خواهد شد آمریکا در پی طرح ایجاد طرح آتش بس دائم، ایجاد کشور مستقل فلسطین و در نهایت از یمن بردن تهدید یمنی‌ها در دریای سرخ است. طرحی که با جزئیات فراوانی مواجه است و باید دید در نهایت به کجا خواهد رسید، اما آنچه مسلم است در پیش بودن انتخابات و ترس بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید باعث شده تا بایدن و متحدان اروپایی‌اش از هم اکنون به فکر چاره باشند تا به زعم خود بهترین نتیجه را بگیرند. در همین راستا برای بررسی تحولات منطقه، جنگ غزه و تحولات موجود در دریای سرخ و همچنین طرح غربی‌ها در جهت آتش بس و ایجاد کشور مستقل فلسطینی «آرمان ملی» با عبدالرضا فرجی‌راد، سفیر سابق ایران در نروژ و فلاند و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته‌است که می‌خوانید.

به دنبال آن هستند که با عجله یک دولت فلسطینی را شکل دهند و به رسمیت بشناسند. البته من فکر می‌کنم کرانه غربی و محمود عباس نیز هماهنگند، اما معلوم نیست که در این شکل‌گیری دولت موجود عباس حاکم باشد و ممکن است که در کرانه غربی شاهد تغییراتی باشیم. الان آمریکایی‌ها در مسیری افتادند که در این مسیر مقداری توجه به فلسطینی‌ها بیشتر و اخبار و تبلیغات فلسطینی‌ها را سوزی آمریکا فزون‌تر گردد که جلوی ضررهایی که در انتخابات قرار است به بایدن وارد شود را بگیرند و بتوانند تبلیغات رسمی را در مقابل ترامپ انجام دهند که کار بزرگی صورت گرفت و توانستیم کشور مستقل فلسطینی را شکل دهیم و امنیت اسرائیل را تأمین کردیم آن‌را به عربستان و دیگر کشورهای عربی متصل کردیم. این طرح بی‌سرو صدا در حال جلوگیری است و سیاست آمریکا مقداری در حال تغییر است.

از نظر شما در صورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی اساسا جایگاه مقاومت و مشخصا حماس چگونه خواهد بود و آیا به‌طور کلی تشکیل کشور مستقل فلسطین طبق طرح غربی‌ها را خواهد پذیرفت؟

طرحی که آمریکایی‌ها و غربی‌ها برنامه ریزی کردند احتمالا چینی‌ها و بقیه کشورهای جهان سوم نیز حمایت می‌کنند این نیست که حماس حذف شود، بلکه می‌خواهند بخش نظامی حماس را حذف کنند و بخش سیاسی حماس با کرانه غربی رود اردن همراهی کند و یک نفر مسئولیت دولت فلسطینی را برعهده گیرد. قطعا در این کشور فلسطینی که اینها می‌خواهند به رسمیت بشناسند حماس رئیس نخواهد شد، اما بخش سیاسی حماس بخشی از این مجموعه خواهد بود. لذا با توجه به اینکه برای غزه هم طراحی‌هایی در طرح غربی‌ها می‌شود بعید به نظر می‌رسد که بگذرانند حماس تا سال‌ها در آنجا قدرت داشته باشد. لذا به نظر من حماس نیز با توجه به شرایطی که پیش آمده تمایل دارد در آن چیزی که در واقع همراهی با کرانه باختری است عضویت داشته باشد و الا اگر بخواهد کاملا خود را کنار بکشد ممکن است با توجه به شرایطی که برای غزه پیش آمده و دو دین میلیون نفر آواره و بدون خانه، مدرسه و خدمات و زیرساخت هستند شرایط برای حماس بسیار سخت شود. قطعا مردم غزه نیز این تمایل را یابد خواهند کرد که با توجه به زجری که می‌کشند یک آرامشی برقرار شود و با مساله بخش سیاسی حماس و مدیریت کرانه غربی همراهی خواهند کرد. لذا اینطور نیست که بخواهند به‌طور کامل حماس را حذف کنند. در چند مصاحبه‌ای هم که رهبران حماس طی دوسه ماه گذشته داشتند اعلام کردند که آمادگی این را دارند که با کرانه باختری دولت مشترکی داشته باشند و عضویت داشته باشند. لذا من فکر می‌کنم این مساله با توجه به شرایط سختی که در غزه وجود دارد خیلی سخت و پیچیده نخواهد بود. مساله این است که کشور مستقل فلسطینی که اینها می‌خواهند شکل دهند بر اساس قطعنامه ۲۲۴ شورای امنیت سازمان ملل است که در واقع بیت‌المقدس هم به کشور مستقل فلسطینی مربوط می‌شود یا نه آنچه که مسلم است در مرحله اول می‌خواهند با عدم داشتن ارتش برای کشور فلسطینی؛ اسرائیلی‌ها را راضی کنند که تشکیل چنین کشوری امنیت اسرائیل را به خطر نمی‌اندازد. البته اینها همه مسائلی است که باید مقداری وارد جزئیات شد و ممکن است که فلسطینی‌ها نپذیرند. البته همیشه در مذاکرات از پایین شروع می‌شود و به شکل‌گیری یک کشوری می‌رسند، اما اینها را بالا شروع کردند و ابتدا کشور فلسطینی را به رسمیت می‌شناسند و بعد جزئیات را حل و فصل می‌کنند. در حالی که اول باید جزئیات را حل و فصل کنند و نتیجه آن ایجاد کشور فلسطینی باشد. اما چون عجله دارند، می‌خواهند بحران در منطقه را به پایان برسانند، انتخابات آمریکا در پیش است، اژن اوکراین و... بارها آمریکایی‌ها اعلام کردند تنها راه اینکه نفوذ ایران را کاهش دهند این است که در منطقه کاری انجام شود و آن چیزی نیست جز تشکیل دولت فلسطینی. بنابراین من تصور می‌کنم یک طرح‌هایی در خفا در حال گفت‌وگو و مورد بحث است که قسمت‌هایی جلورفته و با کرانه باختری رود اردن نیز هماهنگ هستند. در سفری که بلینکن به منطقه داشت و با محمود عباس ملاقات کرد مساله اصلی همین بحث بود و فکر می‌کنم بلینکن دوباره به منطقه می‌آید که همین بحث را دوباره پنهانی با عرب‌ها، اسرائیل و کرانه باختری دنبال کند. لذا بریتانیا و آمریکا کشور فلسطینی را به رسمیت می‌شناسند و اتحادیه اروپا هم دنباله روی می‌کند.

آرمان ملی

armanmeli.ir

سیاست

ذره بین

خاورمیانه را چه کسی آشفته کرد؟

در حالی که دولت بایدن با مجموعه‌ای ماریپیج از بحران‌ها در خاورمیانه دست و پنجه نرم می‌کند ترامپ به عنوان نامزد پیش‌شاز جمهوری خواه ریاست جمهوری از این لحظه استفاده کرده و امتیازات سیاسی را کسب کرده است. اخیرا در جریان یک حمله پهپادی که توسط یک گروه مقاومت در عراق علیه یک پایگاه آمریکایی در مرزاردن و سوریه صورت گرفت سه سرباز آمریکایی کشته شده و ده‌ها نفر دیگر مجروح شدند.

برخی از جمهوری خواهان در واشنگتن از کاخ سفید می‌خواهند که اقدامات شدید و تشدید کننده تنش از جمله حملات هدمقند در داخل ایران را دنبال کند. تمایل آشکار بایدن برای تنظیم پاسخ و اجتناب از درگیری گسترده‌تر با ایران به نفع ترامپ تمام شد تا از آن برای حملات لفظی علیه بایدن استفاده کند. ترامپ با انتشار پستی در شبکه‌های اجتماعی گفت: «این حمله به ایالات متحده پیامد وحشتناک و غم‌انگیز دیگری از ضعف و تسلیم جو بایدن است.» این در حالیکست که در دوره ریاست جمهوری ترامپ نیز حملاتی به مواضع آمریکا در عراق و سوریه صوت گرفت، اما ترامپ و تعدادی از همراهانش در حزب جمهوری خواه ایجاد هر ج و مرج در منطقه را به دولت بایدن مرتبط می‌سازند. هدف آنان این است که این تصور را ایجاد کنند که ترامپ درصدد برقراری صلح از طریق اعمال قدرت بود و این ایده‌ای موفق بوده است. در واقعیت، اما ترامپ با نابود کردن مسیر دیپلماسی با تهران توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی را زیر پا گذاشت، فهرستی از تحریم‌ها علیه ایران را بازگرداند و سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در یک حمله پهپادی در سال ۲۰۲۰ ترور کرد.

در همین حال، سیاست ترامپ در قبال اسرائیل محکم در آغوش کشیدن بنیامین نتانیا‌هو نخست‌وزیر اسرائیل و تقویت دستور کار جناح راست اسرائیل بود. او از طریق به‌رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال کنسولگری آمریکا از تل آویو به بیت المقدس فلسطینیان را تنبیه کرد. همچنین، ترامپ از طرق میانجی‌گری بین اسرائیل و گروهی از دولت‌های پادشاهی عربی با هدف برقراری صلح خواسته‌های سیاسی فلسطینیان را بیش از پیش به حاشیه راند. دولت بایدن پس از زوری کار آمدن در خاورمیانه درگیر شد. لفاظی‌های اولیه بایدن در مورد در مرکز توجه قرار دادن حقوق بشر در سیاست خارجی به سرعت محو شد، زیرا کاخ سفید همکاری نزدیک‌تر با عربستان سعودی را دنبال کرد و وضعیت موجود را با اسرائیل حفظ نمود و مشتاق بود بر اساس توافق عادی سازی روابط دولت‌های منطقه که دوران ترامپ تدوین شده بود عمل کند. او تلاش کرد در عرصه دیپلماسی پیشرفتی با ایران داشته باشد و کارزار فشار حداکثری ترامپ منجر به قدرت رسیدن دولت رئیسی در ایران شد را رها کرد. با این وجود، هفتمان بایدن برنامه امنی ایران را رها کرد و خواستار شفافیت از سوی ایران نشد. اوایل ماه جاری رافائل گروس‌ی رئیس‌آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که برنامه هسته‌ای ایران «به جلو پیش می‌رود» و خواستار اعمال دیپلماسی برای برکردن این شکاف شد تا از زوامت اوضاع جلوگیری شود. اکنون که کاخ سفید به باز کردن جبهه‌های جدید درگیری با ایران فکر می‌کند دیپلماسی در چشم‌انداز دیده نمی‌شود.

ناتوانی دولت بایدن در تعامل با ایران

«ژیل مایر» ستون نویس لو موند این هفته با اشاره به میراث ترامپ در منطقه نوشته بود: «ایران از پیگیری تلاش‌های هسته‌ای خود منصرف نشد بلکه بالعکس برنامه هسته‌ای خود را با شدت بیش‌تری دنبال کرد. سخنان آمریکا بی‌ارزش شده است که تا حدی ناتوانی دولت بایدن در تعامل مجدد با تهران را توضیح می‌دهد. محور مقاومت پس از حملات ۱۷ اکتبر به شکل غیرمنتظره‌ای در حملات متحدان یمنی در دریای سرخ گسترش یافت.» احتمال دستیابی به سلاح هسته‌ای از سوی ایران در حال حاضر بسیار بیش‌تر از سال ۲۰۱۸ میلادی است زمانی که ترامپ توافقی هسته‌ای با ایران را برخلاف میل بسیاری از متحدان غربی آمریکا به پایان رساند. حمله مرمیگر به سرپازان ایالات متحده یک ماموریت نظامی بدون پایان را بر جسته می‌سازد. ترامپ نشودید کرد همزمان راست افراطی اسرائیل را به پیش راندی در حالی که همزمان راست افراطی اسرائیل را به پیش روی بیش‌تر تشویق نمود. «دیوید فریدمن» سفیر ترامپ در اسرائیل مدافع عمیقاً ایدئولوژیک جنبش شهرک نشینان یهودی و فردی آشکارا بدبین نسبت به راه حل دو دولتی بود این در حالیکست که راه حل دو دولتی یعنی چشم‌انداز دو دولت اسرائیل و فلسطین که در کنار یکدیگر وجود داشته باشند سیاست رسمی ایالات متحده بوده است. ترامپ و فریدمن، اما درصدد جسورتر ساختن نتانیا‌هو و متحدانش برآمدند. در نتیجه، نتانیا‌هو ساخت شهرک‌های یهودی نشین بیش‌تر را تشویق کرد و به نظر می‌رسد برای همیشه آماده الحاق غیر قانونی بخش‌هایی از کرانه باختری اشغالی به اسرائیل است. تلاش‌های آنان در زمانی که جنبش ملی فلسطین در بحران به سر می‌برد و آرمان فلسطین در میان دولت‌های عربی از اولویت‌های کمتری برخوردار بود خاک بیشتری بر گور راه حل دو دولتی ریخت.

پس از حمله حماس در تاریخ ۷ اکتبر به جنوب اسرائیل و جنگ وحشتناک غزه که پس از آن به وقوع پیوست بار دیگر موضوع راه حل دولتی پیش‌کشیده شده است. رهبران کشورهای عربی و همچنین مقام‌های آمریکایی و اروپایی همگی صحبت از راه حل دو کشوری را به عنوان یک هدف ضروری برای ایجاد ثبات در منطقه احیا کرده‌اند. با این وجود، ترامپ و متحدانش به بایدن به دلیل اتخاذ این خط مشی و اعمال فشار بر دولت نتانیا‌هو حمله می‌کنند.